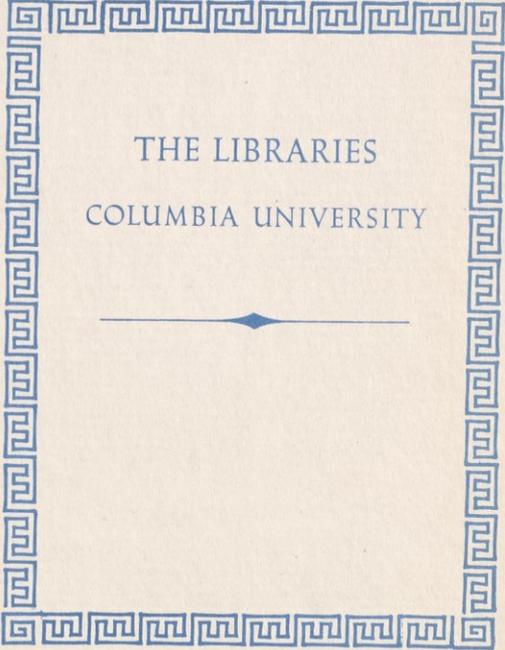
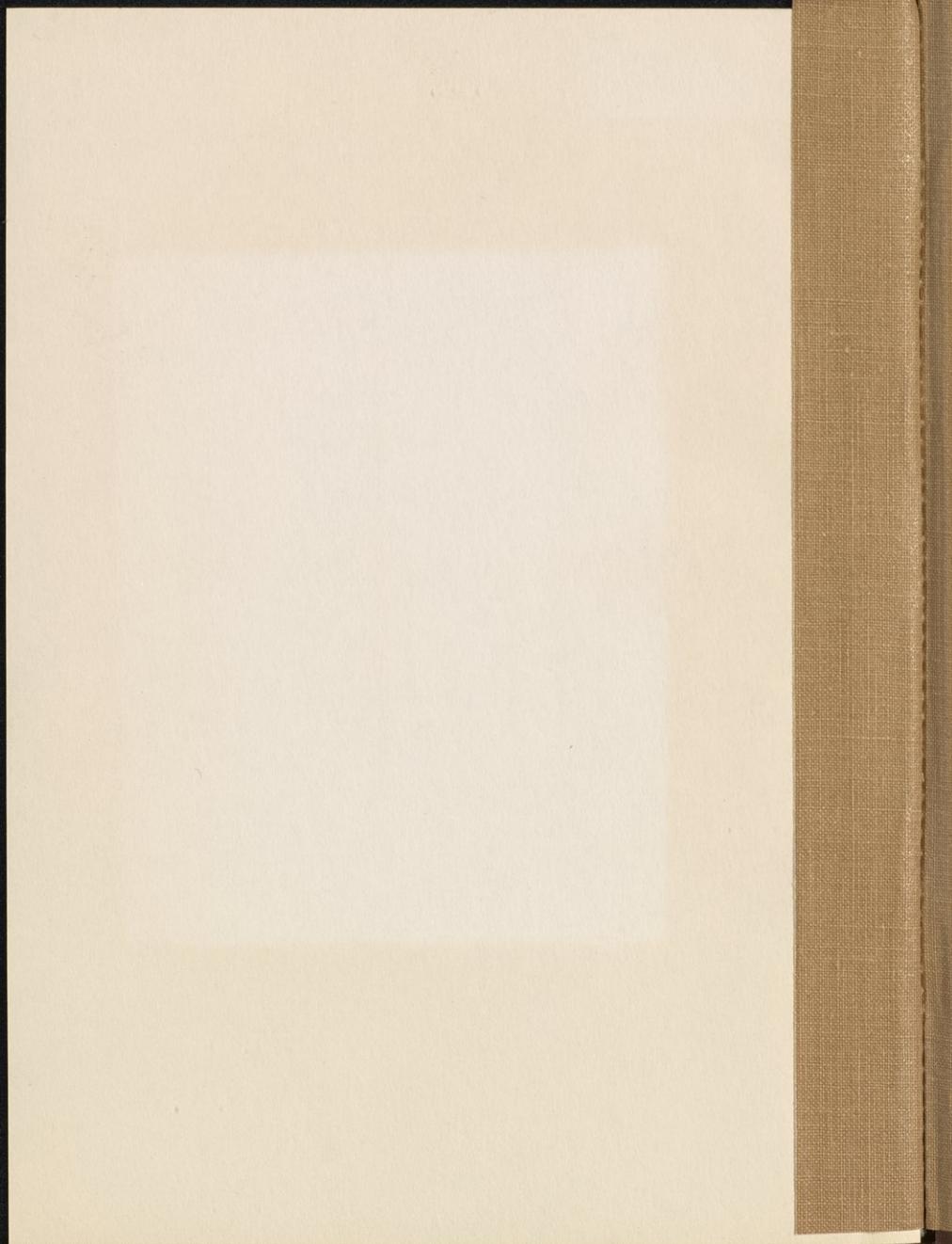


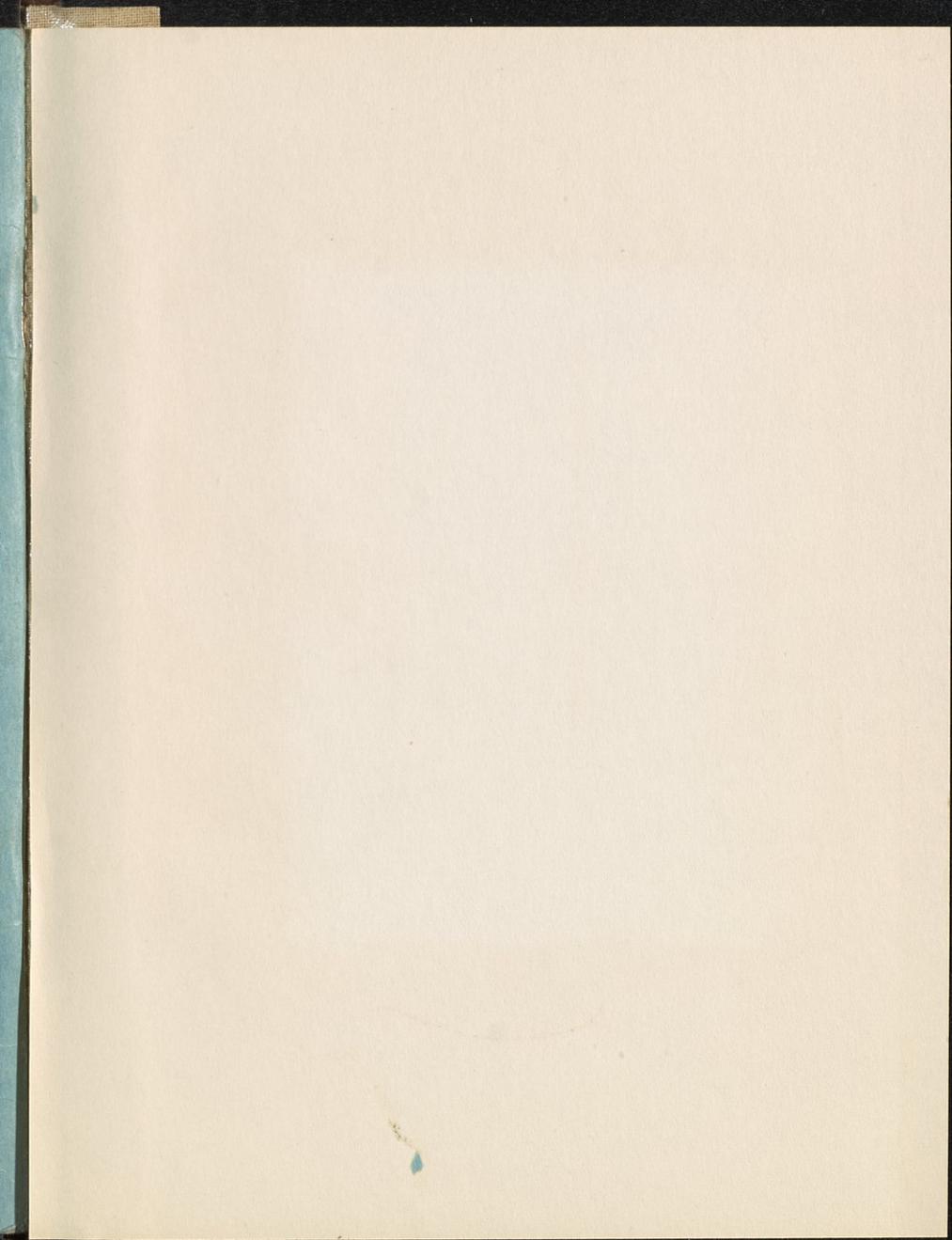
Gaylord
PAMPHLET BINDER
Syracuse, N. Y.
Stockton, Calif.



THE LIBRARIES
COLUMBIA UNIVERSITY







مناجات حضرت امیرؑ

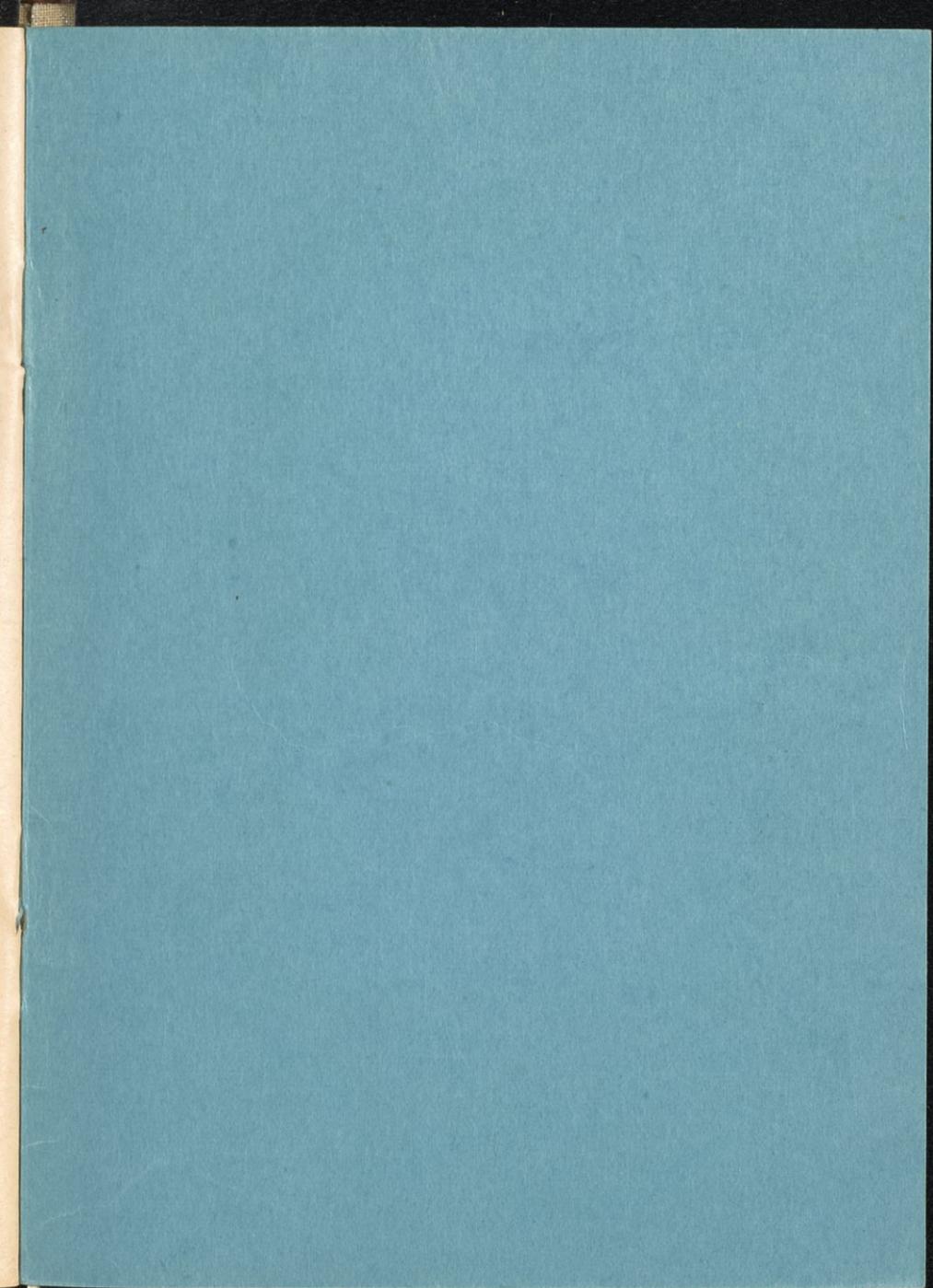
بخط جناب اشرف

قوام السلطنہ

مہ ماہ ۱۳۲۶

بہاء ۱۰ ریال

چاپ تابان



مناجات حضرت امیرؑ

بخط جناب اشرف

قوام السلطنہ

مہر ماہ ۱۳۲۶

چاپ تہابان

ای جناب اشرف، آقای قوم السلطنه

ابنای علم و دانش استونی استوار

نسخه‌ای مرغوب و زیبا از مناجات علی

مانده است از کلک مشکینت یکیتی یادگار

یادگاری از جندست آن، که نام نیک مر

گر بماند به کز او ماند سرای زرنگار

مسک ابایست سو و و عود را بایست نخت

گر اجازت میدی این نسخه یاد انتشار

جیب نیانی



کتابت الحمد یاد الوجود والمجد والعلی

میرزا سید علی محمد بن محمد بن علی و بیگم سید

تبارکت تعالی من شانه

بزرگی و سزاوارت که غیبی هر که را خواهی بازماند از بزرگی

آلی من جلیت و جنب حنیستی

شایسته ای که بزرگ شد و سزاوارت که سزاوار من

ففقو ک عن ذبی اطل و اوسع

من بزرگی و بیگم سید و سزاوارت که سزاوار من

الهی و خالق و سرزمی و مولی

خدای من و فرستنده من و پادشاه من و بارگه من

ایک لیدی الاعشار و الیسرافوع

پسوی درد سواری و آسانی کنی که بزم

الهی لمن اعطیت نفسی سو لمانا

خدای من که در خواستای من خود را بدادم

فما اناسی فی روض الندا اترع

پس ای یک تنم که در غنچه از پای میانی میسیم

الهی تری حالی و فترتی و فاتی

خدای من می نمی حال مرا و فترت و حاجت شدی مرا

وانت منا جاتی انخفه تسمع

و تو از من می آیی و من را می شنوی

الهی فلا قطع رجاسی ولا ترغ

شدای من پس مع کن امید مراد گردان قلب مرا

فوادى فلی فی سبب خودک مطمع

زیر که من در باران خورشید و طبع دلدم

الهی لمن خستنی او طردستی

شدای من اگر نادید گردانی یارانی مرا از درگاه خود

فرد الذی ارجو ومن ذالشیع

کز کسیت آنکه بوی امید و آرزایم مادی را زود و غیبی را

الهی اجرنی من عندک انی

شدای من زینهارده مرا از عند آب خود بدستی گهرن

اسیر و نیل خائف کک اخضع

کز کسیت من خوارم ترسکارم ز تو در شرفی می کنم

اللّٰهِي وَاسْمِي تَلْقَيْنِ حَبِيبِي

شده ای من استن و مرا با یکدیگر موزی بر حجت مرا

اذا كان لي في القبر شوي موضع

در آفت که مرا در قبر مکان بر جایستن و سخن با من

الطّٰهِي لَمَّا عَزَبْتَنِي الْفَتْحِي

شده ای من اگر مرا عذاب کنی مشهور مال

فجبل رجا بي منك لا يقطع

پس در میان ای من از تو بریده و بری بشود

اللّٰهِي اذ قمتي طعم عسوك يوم لا

شده ای من چنان من طعم آرزوش عذرا و روزی که

بنون و الامال هنا كس ينع

بنده زندان و دنیا مال

الهی لمن طلبت فی طلب النعمه

شده ای من اگر تقصیر کردم در طلب بر بزرگوار

فما انما اثر الله فواقصوا تبع

من ایک در طای عفو میردم و پیروی میکنم

الهی انی منک روحا ورحمه

شده ای من بر من مرا از خود آسودگی و رحمتی

فلمست سوا لیس فضلک افرحه

پس سیم کسی که حسنه درهای فضل تو در می دیگر بگویم

الهی ذنبی بدت الطود ورا

شده ای من گناهان من غالب اند بر گناه و برتری گرفتاری

وصفحک عن ذنبی اصل و ارفع

و در گذشتن تو از گناه من بزرگتر و بزرگتر است

الهی اذالم تص عن عیبر محن

شده ای من بستی که و عسوه کنی از عیبره بیگو کار

فمن لم یسأل اللهوی مستیع

بکست عسوه کند مرید کرداری که هوای من مستیع

الهی اذالم تر عنی کنت ضایعاً

شده ای من چون رعایت کنی پس ضایع شده ام

وان کنت ترعانی فلیست یسع

و اگر مرا رعایت کنی مرا یسع ضایع

الهی لئن اخطات جهلاً فریماً

شده ای من اگر خطا کردم من جهلاً نادان

رجواتک حتی قیلنا یوحجرع

امید دارم بویا ما میگفتند او بجزای کن

اللی نخی ذکر طو لکت کو عتی

شای من دور کند یاد کردن و سوزش مرا

و ذکر الخطایا العین من یدم

و یاد آورده کن بان چشم مرا میگردان

الهی اقلی عشرتی و ارج جوی

شای من عشق کن از شش مرا و محو کن کت و مرا

فانی مفر حاضرت متضرع

پس درستی که من اقرار کننده و در سناک و در کبری و مرا

اللی لن قضیتنی او استنی

خسای من اگر دور کردانی یا حارب زنی

فاحلی یارب ام کیف استغ

پس چیست چاره من ای پروردگار من یا چه کنم من

اللهم حلف بالليل سائر

شده ای من م سوکت و درستی شب سده ارات

یا حاجی ویدعو ولفعل یحج

فریادی کنه وخواهد وفاضل کرد اندیشه وشد و خاکی

اللهم منیسی رجالی سلا

شده ای من مت میکند و از وی من سپاسی را

وقح خطیاتی علی شیخ

در دشتی کمان بر من شیخ می کن

و کلمه بر جو و اکنت راجیا

و از بیان از روی کند و اسیر از حاجی که امید دار

الرحمت العظمی و فی الخلدین

در دست ترا که بر کرات و در دست جاودانی طبع می

اللّٰهِي فَاَنْتَ تَقْضُوْهُ فَعْفُوْكَ مُنْقَدِمِي

خدا ای من اگر عفو کنی مرا پس عفو تو را بانی دهنده است

وَالْاَقْبَالَ ذُنُوبِ الْمَدْرَاصِعِ

وگر ایس بجای بلاگ کشند و مانند خست می

اللّٰهِي تَجِبْ الْمَاشِي وَآلِهِ

خدا ای من تجی پیشتر باشی و آل او

وَحَرَمَهُ اِبْرَاهِيْمَ كَلْبُ خَضَعِ

و در حرمت سبک کارانی که مر تو رفت و توی گنند

اللّٰهِي فَاشْرِنِي عَلٰى دِيْنِ حَمِيْدَةٍ

خدا ای من مرا بخشد مرا از دین حمید

مُسَيِّدَاتِيْمَا فَاتَا كَلْبُ اشْتِ

ایست کشنده بر سبک کار را از کسی کشنده که تر از سبک

ولا تحرمي ما الهی وسیدی

و محسروم کن مرا ای خدای من و خوارجین

شاعته الکبری فذاک مشغ

از شاعته بزرگتر اولین او است یک شاعته و مقبول

و صل علیه مادعاک موحد

و درود فرست روی ماداعی که میخواند بر او صلوات

و اما جاک اجیار سبک کن

در آریست کویند ما تو بر گزند گمانی که بر در تو رکوع کند گمان

خاندان دولت
و در آن خاندان
خاندان دولت
و در آن خاندان

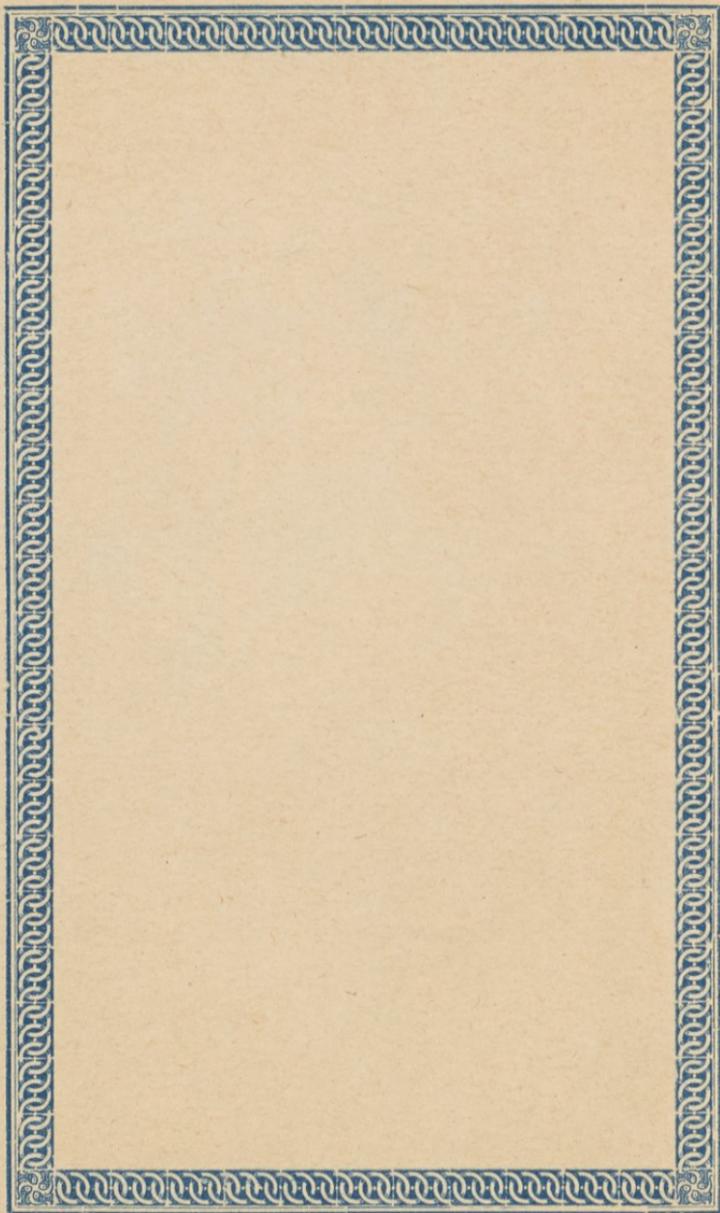


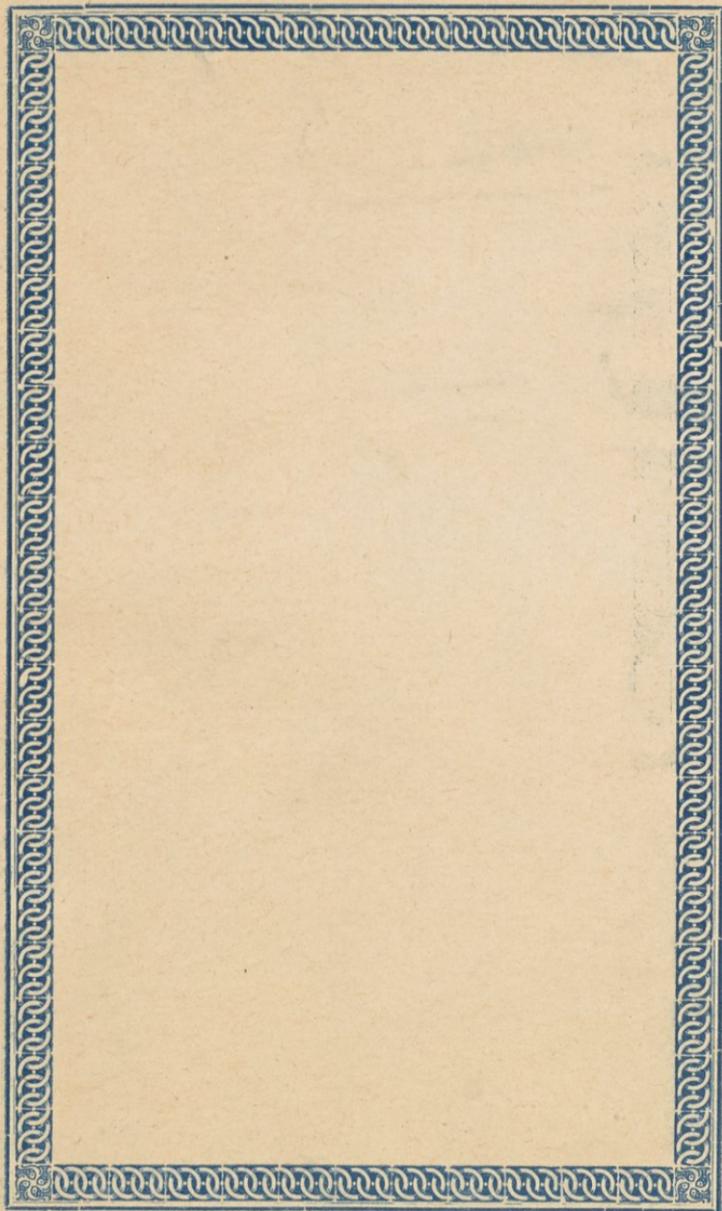
کتابخانه دولت علیه ایران

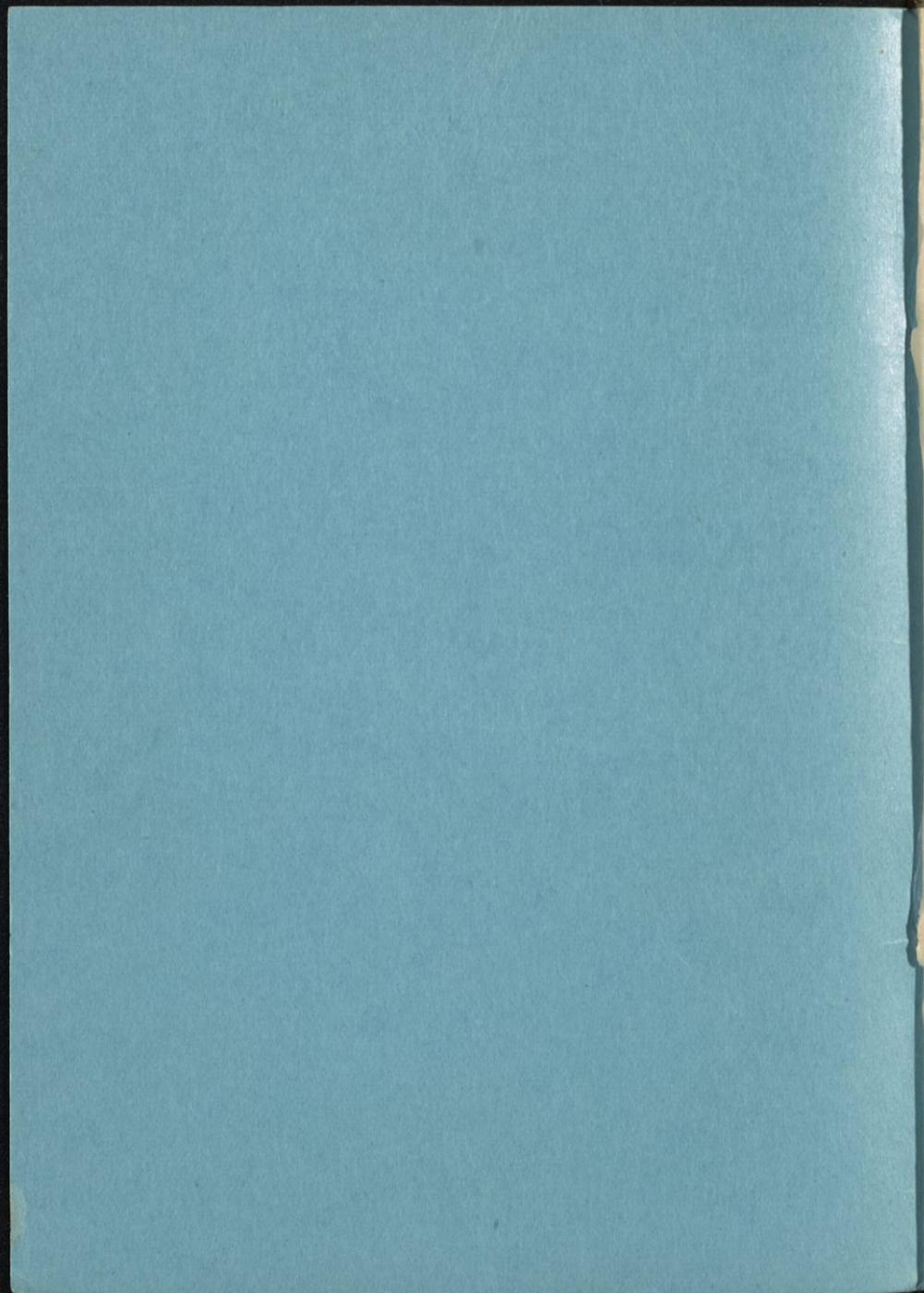
نمبره ۱۵۲۳

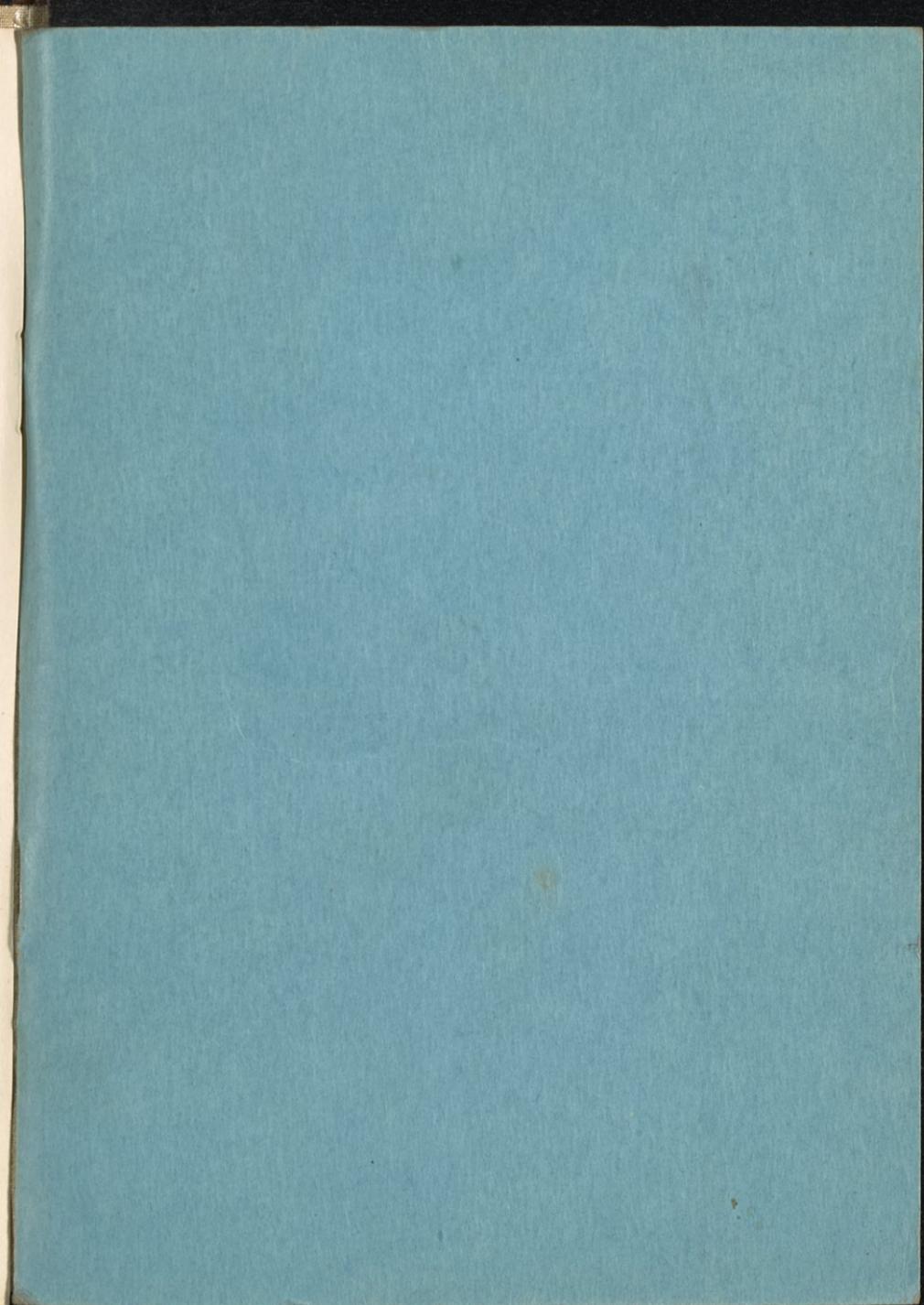
مصنف	اسم کتاب	مصحف
بچه زبان	در چه علم	در چه علم
تاریخ تحریر	اسم محرر	محرر میرزا محمد تقی لطفی
بچه خط و قلم	روی کاغذ	روی کاغذ
عدد سر لوحه	عدد صورت	عدد صورت
عدد اوراق	جلد کتاب	جلد کتاب
قطع کتاب	ورق مذهب	ورق مذهب
یک نسخه در چند مجلد	متن و حاشیه	متن و حاشیه
	ملاحظات	ملاحظات

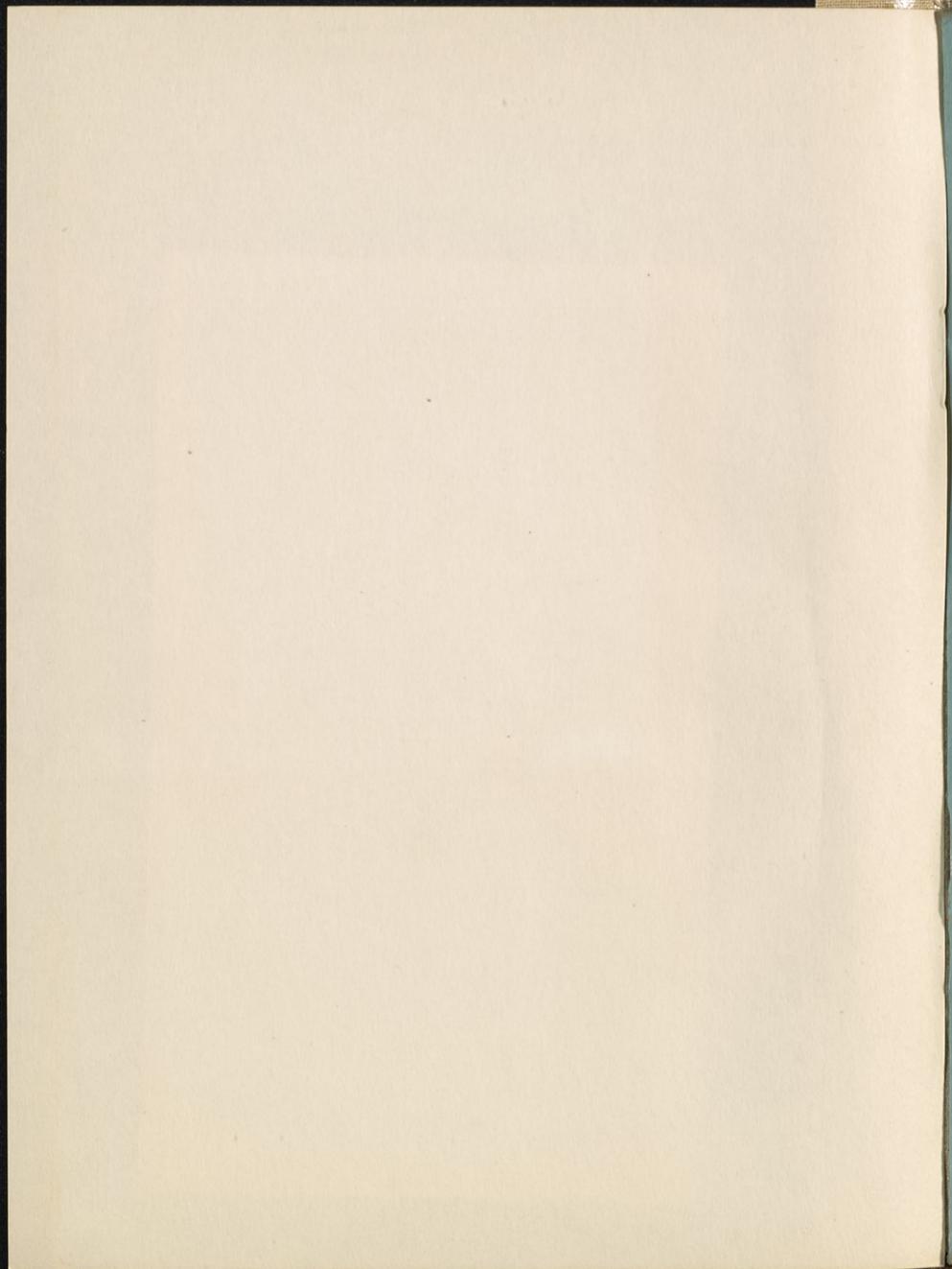
[Handwritten signature]











893.7A111
T34

MAR 13 1964

COLUMBIA LIBRARIES OFFSITE



CU58866213

893.7AL41 T34

Munajat-i Hazrat-i A

RECAP

893.7AL41 - T34